



سنتور

نوشته فرامرز پایور

مشروحی ممکن است از همان دوران شروع کنیم و رد پای آن را تا امروز دنبال نمائیم.

این ساز که امروزه از معمولترین سازهای ایرانی است (البته در رومانی - تاجیکستان - یونان - هندوستان - چین نیز بالنسبه متداول است) بشکل ذوزنقه ساخته شده و روی صفحه آن خرکهایی قرار دارد که سیمها بر روی آنها سوار است.

در سمت راست که برای صداهای بم است معمولاً از سیمهای برنجی استفاده میشود و قسمت

سنتوریکی از سازهای مضرابی است که قدمت آن شاید از کلیه سازهای دیگر بیشتر باشد. این گفته که سنتور سازی است که در ابتدا متعلق به ایرانیان بوده و بعداً خود آن یا شبیه به آن در ممالک دیگری چون یونان - هندوستان و چین معمول گردیده شاید صحیح است ولی نباید ناگفته بماند که از نقوش بازمانده تاریخ، میتوان پی برد که سازی شبیه سنتور در نزد آشوریها معمول بوده است. تحقیق و بررسی در این باره در این مقاله نمیگنجد و فقط در فرصت مناسب طی مقالات

وسط و سمت چپ از سیمهای فولادی است که برای صداهای متوسط و زیر مورد استفاده قرار میگیرد.

این ساز بوسیله دو مضراب چوبی که بر روی سیمها فرود میآیند نواخته میشود و مهم آنکه کلیه ریزه کاریها و مالشها و ظرائف و حرکاتی که در موسیقی ایرانی وجود دارد باید بوسیله همین دو مضراب انجام شود.

تعداد خرکهای سنتور در هر طرف معمولاً ۹ عدد میباشد که ۷ تای آنها برای هفت صدای موسیقی است و دو تای اضافه برای تهیه نیم - پرده های مورد احتیاج قابل استفاده است ولی گاهی سنتورهای ۱۰ خرک نیز ساخته شده و به ندرت سنتور تا ۱۴ خرک هم پیشرفته است.

اضافه کردن خرکها کمک مؤثری به تهیه نت های مختلف و نیم پرده های مورد احتیاج نمی نماید بلکه فقط از لحاظ سهولت اجرا و فرار از تغییر پزسیون باین کار دست زده شده است. عیب سنتور ظاهراً در این است که باید آنرا برای هر آهنگ یا دستگای قبلا کوك کرد و آماده نمود، چنانچه بخواهیم آواز دیگری که هم کوك آواز قبلی نباشد روی آن اجرا کنیم باید مجدداً آنرا کوك نمائیم بعبارت دیگر در حین نوازندگی تغییر کوك در این ساز ممکن نیست (البته گاهی با تغییر محل خرکها این نقیصه برطرف میشود ولی این کار اساسی نیست). فراموش نشود که سازندگان این ساز در موقع خود کاملاً به این نکته واقف بودند

ولی موسیقی زمان خودشان ضرورتی برای تغییر کوك در حال نواختن ایجاب نمیکرده و برای موسیقی زمان ساز تکمیلی بشمار میرفته است.

حسن این ساز در این است که پدال در آن وجود ندارد و صداهای مختلف با اکوی مخصوص این ساز با هم مخلوط شده زیبایی خاصی به صدای آن میدهد، (گویا اینکه عده ای از موسیقی دانان نداشتن پدال را عیب سنتور دانسته اند ولی در حقیقت عدم وجود پدال حسن این ساز است).

تکنیک صحیح نواختن سنتور آن است که حرکت اصلی مضرابها بوسیله مچ انجام گیرد و تغییر پزسیونها بوسیله آرنج و گاهی برای نت های زیر و زینتی از حرکت انگشتان که حلقه مضرابها را دارند استفاده شود.

نواختن این ساز از وهله اول بسیار ساده بنظر میرسد و بنظر میآید همینقدر که سنتور کوك باشد کافی است که مضرابها را بروی آن ب حرکت در آورند ولی نوازندگی صحیح و خوب سنتور از هیچ ساز دیگری آسان تر نیست و شاید برای تبحر و چیرگی بیش از سازهای دیگر احتیاج به تمرین و ممارست داشته باشد خاصه آنکه کوك صحیح این ساز کاری است بس مشکل زیرا کلیه پرده ها باید دقیقاً کوك شوند و بعلاوه چون برای هر پرده چه بم و چه زیر هر کدام چهار سیم در نظر گرفته شده است، باید هر چهار سیم نیز دقیقاً با هم کوك باشند تا صدای مطبوع از ساز خارج شود در غیر این صورت عدم نواختن آن مطبوع تر خواهد بود.

